

برخی از پزشکانی که در روزهای انقلاب

به کشور باز گشتند



🔴 **دکتر علیرضا مرندي** / دکتر مرندي، زمانی که در ایران دوره پزشکی عمومی را می گذراند، به دلیل فعالیت های سیاسی اش به زندان افتاد. بعد از اتمام دوره در سال ۱۳۴۵ به آمریکا رفت و تخصص کودکان را در آن جا گذراند و بعد هم در دانشگاهی در ایالت اوهایو مشغول به کار شد. انقلاب که پیروز شد، دکتر مرندي موقعیت شغلی جا افتاده خوبی داشت؛ رئیس بخش کودکان یک بیمارستان دانشگاهی بود و به دانشیاری ارتقا پیدا کرده بود. اما علاقه به ایران و انقلاب در نهایت باعث شد تا ایشان در ۱۳ آبان سال ۵۸ به ایران برگردند. ایشان چندین دور روز بر بهداشت بوده اند و هم اکنون نیز رئیس فرهنگستان علوم پزشکی هستند.



🔴 **دکتر محمدرضا کلانتر معتمدی** / دکتر کلانتر معتمدی سال ۴۳ برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت و در مجموع ۱۴ سال ساکن آن کشور بود. او که از دبیرستان با دکتر مرندي آشنا بود، در بوستون آمریکا با همراهی دکتر مرندي و دکتر عزیزی، انجمن اسلامی پزشکان ایرانی مقیم آمریکا را پایه گذاری کرد. در آمریکا تخصص خود را

در رشته جراحی و فوق تخصص در جراحی عروق گرفت و همان جا مشغول به کار شد. وضعیت کاری او در سال ۵۷ بسیار خوب بود، درآمد سالانه نزدیک به ۴۰ هزار دلار و زندگی در خانه ای ویلایی، به نظر ایده آل می آمد. زمانی که انقلاب شد، فرزندانش دانشجوی و دانش آموز دبیرستانی بودند. اما به رغم این که این جا به جایی می توانست آینده آن ها را با چالش هایی جدی روبه رو کند، اما با فاصله کوتاهی بعد از انقلاب به ایران باز گشت. دکتر کلانتر معتمدی از جراحان بنام ایران بود که در سال ۹۶ از دنیا رفت.

داستان بازگشت تعدادی از پزشکان متخصص ایرانی مقیم آمریکا در بحبوحه پیروزی انقلاب به کشور در گفت و گو با یکی از آن ها

به عشق ایران، برای خدمت به ایرانی!



ترکس عزیزی / روزنامه نگار

پرونده

با پیروز شدن انقلاب، این احساس که فضا برای خدمت به محرومان مهیا شده است، باعث شد تا گروهی از متخصصان تصمیم به بازگشت به ایران بگیرند. بسیاری از این متخصصان، تحصیلات خود را در کشورهای غربی به پایان رسانده بودند و تازه چند سالی بود که با آغاز به کار، امکان بهره داری از تخصص شان را پیدا کرده بودند اما به رغم همه این ها، گروهی از متخصصان و تحصیل کرده های ایرانی، راحتی زندگی در غرب را رها کردند و در همان سال های ۵۷ و ۵۸ به ایران بازگشتند. این تصمیم آسانی نبود. در این پرونده نگاهی به این موضوع داریم و با دکتر «پروین میرمیران» که در آن روزها همراه همسرشان دکتر «فریدون عزیزی» در بوستون آمریکا زندگی می کردند و به فاصله شش ماه از انقلاب به ایران بازگشتند، گفت و گو کرده ایم. در کنار آن، مروری داریم بر چند اسم آشنا؛ افرادی که زندگی به ظاهر آرام در غرب را رها کردند و با پیروزی انقلاب به ایران آمدند و کارهای بزرگی برای این سرزمین انجام دادند.

دکتر «پروین میرمیران» از تصمیمی می گوید که باعث شد تا زندگی راحت در آمریکا را رها کند و به ایران بازگردد

از بوستون تا تهران

داستان زندگی دکتر «پروین میرمیران» و دکتر «فریدون عزیزی» از داستان های خاصی است که باورش شاید برای بسیاری از افراد نسل جوان دشوار باشد. داستان یک زوج مذهبی که پیش از انقلاب در بوستون آمریکا زندگی خوبی داشتند. دکتر عزیزی رئیس بخش غدد بیمارستانی دانشگاهی بود و دکتر میرمیران که بعد از اتمام کارشناسی در ایران به شوهرش ملحق شده بود، حدود یک ماه مانده به پیروزی انقلاب مادر شده بود. با توجه به وضعیت مالی خوبی که داشتند توانستند خانه ای ویلایی و سه طبقه در محله ای خوب خریداری کنند و در اطراف بوستون، آن قدر دوست ایرانی داشتند که هر موقع احساس غربت به آن ها فشار می آورد، می توانستند با پذیرایی از آن ها در خانه بزرگ خود دلگرم شوند. اما درست در همان روزهای خوشی، این زوج تصمیم مهمی گرفتند که مسیر زندگی آن ها را برای همیشه تغییر داد.

🔴 **زندگی آرام در ساحل شرقی**

دکتر میرمیران در باره اوضاع زندگی شان در آن زمان می گوید: «زندگی ما در آمریکا خیلی خوب بود. اوایل که آمریکا رفته بودم، در آپارتمانی بودیم که دکتر عزیزی پیش از آن زندگی می کرد اما با توجه به وضعیت مالی خوبی که داشتیم به این فکر افتادیم تا خانه ای ویلایی بخریم. در یکی از محلات خیلی خوب حاشیه بوستون، یک خانه سه طبقه بزرگ خریدیم. خانه نوساز نبود اما صاحبخانه قبلی که تاجر پولداری در زمینه توزیع گوشت بود، به خانه به خوبی رسیدگی و خیلی مدرن اش کرده بود. ۴۵ سال قبل، خانه ما جار و متری و موتور خانه داشت و درهایش همه اتومات بود. این خانه بزرگ برای شرایط آن زمان ما، خیلی مناسب بود. جلسات انجمن اسلامی پزشکان ایرانی مقیم آمریکا در خانه ما به واسطه سالن بزرگی که داشتیم، برگزار می شد. جلسات قرآن هم داشتیم. سال ۵۷ که شهید بهشتی به شهر بوستون آمدند، به خانه ما تشریف آوردند و یک هفته اقامت داشتند.»

🔴 **به ایران برگشتیم تا خدمت کنیم**

اما چرا با وجود تمام این آسایش و آینده روشن کاری در شرایطی

خیلی سرگرفت شدیم. برخی از اقوام با من خیلی دعوا کردند که چرا آن زندگی راحت و خوب را رها کرده برگشته ام. یکی از اقوام نزدیک ما حتی تا شش ماه با من حرف نمی زد و قهر کرده بود. بعد از یک سال، دکتر عزیزی در دانشگاه شهید بهشتی مشغول به کار شد. توانستیم خانه اجاره کنیم. بعد از آن، آرام آرام اوضاع بهتر شد. پسران بعدی ما هم به دنیا آمدند و در نهایت الان ما سه فرزند پسر داریم.»

🔴 **پشیمان از انتخاب؟**

از او می پرسم با توجه به این همه سختی، آیا از بازگشت پشیمان نیستید که می گوید: «راستش را بخواهید از آن جمع ۵۰ نفره ای که در آمریکا تصمیم به بازگشت گرفتند و آمدند، تعداد زیادی بعد از چند سال برگشتند. جنگ که شروع شد و بمباران ها شدت گرفت، کم کم نگرانی ها افزایش یافت. خیلی از خانواده ها نگران بودند و به نوعی فشار می آوردند که بچه ها را به کشور دیگری ببرید اما من و شوهرم حتی به این موضوع فکر هم نکردیم. در واقع تا سال ها با وجود این که گرین کارت هم داشتیم، به آمریکا سفر نکردیم. در نهایت هم یک نوبت که بعد از سال ها برای کنگره ای به آمریکا سفر کردیم به خاطر این که دیگر آن جا زندگی نمی کردیم، گرین کارت مان را باطل کردند.»

🔴 **انگیزه ای که نمی گذارد ایران را ترک کنیم**

بعد از این توضیحات از خانم دکتر از انگیزه اصلی ماندن شان می پرسم؛ از نیرویی که توانسته ایشان را در این سال ها کمک و فکر بازگشت را از ذهنشان بیرون کند که می گوید: «من می گویم اگر من شهید حججی نشدم و نتوانستم بچه هایم را مثل او بار بیاورم، پس حداقل باید در کنار خانواده اش باشم. یادم هست وقتی بچه ها کوچک بودند، ما همه را همیمایی ها را با بچه ها شرکت می کردیم. اگر زمانی شرایط طوری بود که نمی شد، آقای دکتر می گفت اگر به راهیمایی نمی روم پس باید به دانشگاه بروم و قلمی بردارم و در زمینه دیگری فعال باشم. الان هم به افرادی که می خواهند بعد از چند سال زندگی در خارج از کشور برگردند، می گویم چند سال اول بعد از بازگشت، خیلی سخت می گذرد. تا محیط را بپذیرید و البته محیط هم شما را بپذیرد، به شما سخت خواهد گذشت اما اگر این سختی را بپذیرید، ان شاء... بعد از آن به نتایج خوبی خواهید رسید.»

که تازه عضو سوم خانواده به آن ها اضافه شده بود، آن ها تصمیم به بازگشت گرفتند؟ دکتر عزیزی از قبل عضو انجمن اسلامی پزشکان ایرانی بود. در این انجمن بچه های انقلابی زیادی عضو بودند و فعالیت های متنوعی از جمله شرکت در راهیمایی هم داشتند. با توجه به این که خانه ما بزرگ بود، جلسات انجمن در خانه ما تشکیل می شد. درباره بازگشت به ایران هم در همین جلسات صحبت شد. یادم هست دکتر مرندي، دکتر کلانتر معتمدی و حدود ۵۰ نفر دیگر همگی تصمیم گرفتند حالا که انقلاب شده، به ایران برگردند تا بتوانند خدمت کنند. ما هم تصمیم خودمان را گرفتیم. بعد از توضیحات متوجه می شوم که تصمیم به بازگشت به ایران همزمان با بارداری خانم میرمیران گرفته شده و برای اجرایی کردن آن، ناچار شدند کمی صبر کنند. خانم دکتر ادامه می دهد: «پسر اول من، ۲۹ دی ۵۷ به دنیا آمد. یادم هست آن زمان فرودگاه ها منظم کار نمی کردند.

نتیجه این شد که مادر من نتوانست برای زمان به دنیا آمدن فرزندم، خودش را به آمریکا برساند. البته بعد از مدتی آمد، وقتی می خواستم وسایل را جمع کنم و به ایران بازگردم. من و پسر، در شرایطی که هنوز شش ماهش کامل نشده بود، به ایران آمدیم و چند هفته بعد، دکتر عزیزی که برای مسائل کاری ناچار شده بود کمی بیشتر بماند به ما ملحق شد. وسایل زیادی از آمریکا با خودم بیاوردم. جدای از دو چمدان لباسی که برای خودم و پسر، بسته بودم، به اصرار مادرم چرخ خیاطی و یک دست از ظرف هایم را آوردم. در حالی که خیلی معمول بود که با کشتی بار ارسال کنند اما تنها چیزی که با کشتی به ایران فرستادیم، فرش هایی بود که پنج سال پیش از آن، من از ایران به آمریکا برده بودم. بقیه وسایل را، وقتی خانه را فروختیم به صاحب جدیدش دادیم.»

🔴 **بعد از بازگشت خیلی سرگرفت شدیم**

«بعد از ورود به ایران، به منزل مادر رفتم. دکتر عزیزی چند هفته بعد به ما ملحق شد، در حالی که شغلی نداشت. تا یک سال به صورت رایگان در دانشگاه ایران کاری کرد و ما از پس اندازمان خرج می کردیم. زمان خیلی سختی بود. بعد از ورود به ایران،

پروین میرمیران

متولد: ۱۳۳۱

محل تولد: تهران

تحصیلات: دکترای تغذیه از دانشگاه

وین، اتریش

سمت ها: دانشیار در دانشگاه علوم

پزشکی شهید بهشتی؛ سرپرست

مرکز تغذیه پژوهشکده علوم

غدد درون ریز و متابولیسم

تقدیر نامه ها: دریافت بیش

از ۱۵ تقدیرنامه و عنوان

برای طرح های پژوهشی

آثار علمی: ۱۲ کتاب،

۱۷۹ مقاله در نشریات

فارسی، ۱۳۳ مقاله

در نشریات بین المللی



فریدون عزیزی

متولد: ۱۳۲۱

محل تولد: تهران

تحصیلات: بوردهای طب داخلی، پزشکی هسته ای

و فوق تخصص غدد درون ریز و متابولیسم (هر سه از

آمریکا ۵۴-۱۳۵۱)

سمت ها: استاد دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی؛

رئیس پژوهشکده علوم غدد درون ریز

تقدیر نامه ها: استاد ممتاز کشور، چهره

ماندار جمهوری اسلامی (۱۳۸۳)؛

دانشمند برتر سال ۱۳۸۶ آسیا،

دانشمند برگزیده فرهنگستان علوم

پزشکی (۱۳۹۰)

آثار علمی: ۳۱ کتاب، ۵۱۴

مقاله در نشریات فارسی، ۴۵۵

مقاله در نشریات بین المللی

